



تصور ما این است که انواع این ناترازی‌ها خودش را در ناترازی نقدینگی بانک‌ها، یا به عبارتی ریسک نقدینگی بانک‌ها نشان می‌دهد و شبکه بانکی باید این موضوع را مورد توجه قرار دهد.

#### عوامل ناترازی چیست؟

سه دسته از عوامل برای ناترازی بانک‌ها مورد توجه قرار گرفته است: ۱- عوامل ساختاری که شامل تورم و کسری بودجه است.

۲- عوامل خارجی که شامل تحریم و کرونا بوده است و از طریق نوسانات نرخ ارز تأثیر می‌گذارد.

۳- عوامل خاص بانکی مثل ساختار مالکیت، نسبت کفایت سرمایه، نسبت مطالبات غیرجاری.

یکی از عوامل ساختاری، تورم است. یعنی تورم نیز عامل ناترازی است، یعنی رابطه متقابل بین ناترازی شبکه بانکی و تورم است که هر دو بر هم اثر می‌گذارند. تورم شاخه‌های مختلفی دارد. شکاف بین تورم و نرخ سود بانکی منجر به کاهش رقابت‌پذیری برای جذب منابع می‌شود، بنابراین بانک‌ها مجبور می‌شوند سود سپرده‌ها را بیشتر از نرخ مصوب پرداخت کنند.

همواره مطرح کرده‌ام که نمی‌دانم چرا بانک‌ها در زیان با هم رقابت می‌کنند. وقتی بانک‌ها در نرخ سود سپرده با هم رقابت می‌کنند و این نرخ را بالا می‌برند، به آن معنا است که در افزایش قیمت تمام‌شده با هم رقابت می‌کنند که چیزی جز زیان در پی نخواهد داشت.

خود تورم نیز افزایش انتظارات تورمی را به همراه دارد، بی‌نیاتی قیمت‌ها و نااطمینانی را ایجاد می‌کند و در نهایت باعث می‌شود دارایی‌های منجمد بانک‌ها افزایش پیدا کند، زیرا بانک می‌گوید به جای اینکه با نرخ ۲۶ درصد تسهیلات بدهم، پولی که از سپرده‌پذیری جمع‌آوری کرده‌ام را در جای دیگری سرمایه‌گذاری می‌کنم و در نهایت سعی می‌کنم از افزایش قیمت دارایی‌ها، سود خود را به دست بیاورم.

از طرف دیگر، وقتی انتظارات تورمی وجود دارد، مردم به سپرده‌گذاری بلندمدت تمایلی ندارند، پس همه سپرده‌گذاری‌ها کوتاه‌مدت می‌شود که منظور از سپرده‌گذاری کوتاه‌مدت در ایران، سپرده‌های یکساله است.

ناترازی نقدینگی بانک‌ها منجر به خلق نقدینگی می‌شود و خلق نقدینگی نیز تورم ایجاد می‌کند. بنابراین چرخه بین تورم و کمبود جریان نقدینگی در بانک‌ها ایجاد می‌شود.

دومین عامل، کسری بودجه است. کسری بودجه ممکن است از طریق بانک مرکزی یا از طریق بانک‌ها تأمین مالی شود. کسری بودجه از هر کدام که تأمین مالی می‌شود، منجر به افزایش پایه پولی می‌شود و در نهایت خلق نقدینگی ایجاد می‌کند و مجدداً باعث ایجاد تورم می‌شود و طبق چرخه‌ای که مطرح شد، تورم منجر به ناترازی در بانک‌ها می‌شود.

کسری بودجه دولت یکی از عوامل ساختاری است. تاکنون جز یک مورد که در دو سه سال قبل بخشی از بدهی دولت در قالب سهام به بانک‌های ملت، صادرات و تجارت پرداخت شد، در مورد بدهی دولت به بانک‌ها عملاً تسویه‌ای صورت نگرفته و این بدهی‌ها مرتب انباشته می‌شود.

از عوامل دیگر می‌توان به شوک‌های خارجی از جمله تحریم و کرونا اشاره کرد که از دو طریق تأثیر می‌گذارد، یکی اینکه هر دو عامل مذکور منجر به تشدید کسری بودجه دولت می‌شوند و دیگری همان چیزی است که در مورد چگونگی ایجاد ناترازی توسط کسری بودجه دولت در بانک‌ها مطرح شد.

درصد و سهم کارمزد و درآمدهای کارمزدی در شبکه بانکی ۵ درصد است. این در حالی است که سهم درآمدهای کارمزدی از درآمد بانک‌ها در دنیا ۵۰ درصد است. در بحث قیمت تمام‌شده نیز سهم هزینه سپرده‌ها از کل هزینه‌ها در شبکه بانکی ۶۸ درصد است.

۳. نشانگرهای ناترازی جریان ورود و خروج نقدی (عدم تطابق سررسید) ناترازی دیگری که در نظام بانکی مطرح می‌شود، عدم تطابق سررسید است. تفاوت در ماهیت دارایی‌ها و بدهی‌ها و همچنین هزینه‌ها و درآمدهای بانک سبب ناترازی جریان ورود و خروج وجه نقد و به عبارتی ریسک نقدینگی بانک می‌شود. این تفاوت‌ها از سه علت عمده عدم تطابق زمانی سررسید تسهیلات و سپرده‌های جذب‌شده، عدم قطعیت و زمان وصول درآمدها و هزینه‌ها نشات می‌گیرد. از آنجا که دو مورد اخیر جزء خصوصیات ذاتی درآمدها و هزینه‌های بانکی به شمار می‌آیند، یکی از مهم‌ترین دلایل ناترازی مذکور عدم تطابق زمانی سررسیدها است، چرا که هزینه‌های بانک به محض تحقق شناسایی می‌شود و تعهدی لازم‌الاجرا است، اما درآمدها به صورت تعهدی ثبت می‌شود و وصول آن همواره با ریسک خاص خود همراه است.

با توجه به بررسی وضعیت موجود بر اساس اطلاعات پایان سال ۱۴۰۰، مشخص است که در نظام بانکی کشور ناترازی در جریان ورود و خروج وجوه نقد وجود دارد. چرا که از یک طرف تسهیلات به صورت میان‌مدت و یا بلندمدت اعطاء می‌شود و حتی در برخی مواقع با امهال‌های مکرر چشم‌انداز وصول نامشخص است، اما سپرده‌ها با حداکثر بازه زمانی یکساله جذب می‌شوند و حجم قابل توجهی از سپرده‌های جذب‌شده نیز ماندگاری پایینی دارند.

البته با تغییر نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت از روزشمار به ماه‌شمار، روند صعودی سپرده‌های جاری کاهش یافته است، لیکن کماکان این سهم از سپرده‌های سیال بسیار بالاست و علاوه بر مشکلاتی که برای بانک‌ها از منظر تطابق زمانی به وجود می‌آورد، پیامدهای تورمی نیز می‌تواند به همراه داشته باشد. این موضوع لزوم گسترش بازار سرمایه و تأمین مالی بلندمدت از طریق آن بازار را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴. نشانگرهای ناترازی حساب سرمایه براساس توصیه‌های کمیته بال در زمینه نسبت کفایت سرمایه، میزان استاندارد این نسبت از حداقل ۸ درصد برای پوشش ریسک اعتباری در بال (۱) به ۱۳ درصد برای پوشش ریسک‌های اعتباری، عملیاتی و بازار، در بال (۳) افزایش یافته است. بنابراین، انحراف نسبت کفایت سرمایه هر بانک یا شبکه بانکی از حداقل‌های الزام‌آور مذکور، نوعی ناترازی در حساب سرمایه به شمار می‌آید.

در حال حاضر، نسبت کفایت سرمایه بانک کشور مطابق بخشنامه بانک مرکزی، به طور تقریبی بر مبنای بال (۲) و حداقل ۸ درصد تعیین شده است. با این حال متوسط نسبت کفایت سرمایه در کل شبکه بانکی ۱.۳۵ درصد، در بانک‌های دولتی منفی ۰.۳ درصد، در بانک‌های خصوصی شده ۵.۲ درصد و در بانک‌های خصوصی نیز ۱.۰۳ درصد است.

با توجه به بررسی وضعیت موجود بر اساس اطلاعات پایان سال ۱۴۰۰، مشخص است که در نظام بانکی کشور ناترازی در جریان ورود و خروج وجوه نقد وجود دارد. چرا که از یک طرف تسهیلات به صورت میان‌مدت و یا بلندمدت اعطاء می‌شود و حتی در برخی مواقع با امهال‌های مکرر چشم‌انداز وصول نامشخص است، اما سپرده‌ها با حداکثر بازه زمانی یکساله جذب می‌شوند و حجم قابل توجهی از سپرده‌های جذب‌شده نیز ماندگاری پایینی دارند.

البته با تغییر نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت از روزشمار به ماه‌شمار، روند صعودی سپرده‌های جاری کاهش یافته است، لیکن کماکان این سهم از سپرده‌های سیال بسیار بالاست و علاوه بر مشکلاتی که برای بانک‌ها از منظر تطابق زمانی به وجود می‌آورد، پیامدهای تورمی نیز می‌تواند به همراه داشته باشد. این موضوع لزوم گسترش بازار سرمایه و تأمین مالی بلندمدت از طریق آن بازار را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴. نشانگرهای ناترازی حساب سرمایه براساس توصیه‌های کمیته بال در زمینه نسبت کفایت سرمایه، میزان استاندارد این نسبت از حداقل ۸ درصد برای پوشش ریسک اعتباری در بال (۱) به ۱۳ درصد برای پوشش ریسک‌های اعتباری، عملیاتی و بازار، در بال (۳) افزایش یافته است. بنابراین، انحراف نسبت کفایت سرمایه هر بانک یا شبکه بانکی از حداقل‌های الزام‌آور مذکور، نوعی ناترازی در حساب سرمایه به شمار می‌آید.

در حال حاضر، نسبت کفایت سرمایه بانک کشور مطابق بخشنامه بانک مرکزی، به طور تقریبی بر مبنای بال (۲) و حداقل ۸ درصد تعیین شده است. با این حال متوسط نسبت کفایت سرمایه در کل شبکه بانکی ۱.۳۵ درصد، در بانک‌های دولتی منفی ۰.۳ درصد، در بانک‌های خصوصی شده ۵.۲ درصد و در بانک‌های خصوصی نیز ۱.۰۳ درصد است.

با توجه به بررسی وضعیت موجود بر اساس اطلاعات پایان سال ۱۴۰۰، مشخص است که در نظام بانکی کشور ناترازی در جریان ورود و خروج وجوه نقد وجود دارد. چرا که از یک طرف تسهیلات به صورت میان‌مدت و یا بلندمدت اعطاء می‌شود و حتی در برخی مواقع با امهال‌های مکرر چشم‌انداز وصول نامشخص است، اما سپرده‌ها با حداکثر بازه زمانی یکساله جذب می‌شوند و حجم قابل توجهی از سپرده‌های جذب‌شده نیز ماندگاری پایینی دارند.

البته با تغییر نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت از روزشمار به ماه‌شمار، روند صعودی سپرده‌های جاری کاهش یافته است، لیکن کماکان این سهم از سپرده‌های سیال بسیار بالاست و علاوه بر مشکلاتی که برای بانک‌ها از منظر تطابق زمانی به وجود می‌آورد، پیامدهای تورمی نیز می‌تواند به همراه داشته باشد. این موضوع لزوم گسترش بازار سرمایه و تأمین مالی بلندمدت از طریق آن بازار را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴. نشانگرهای ناترازی حساب سرمایه براساس توصیه‌های کمیته بال در زمینه نسبت کفایت سرمایه، میزان استاندارد این نسبت از حداقل ۸ درصد برای پوشش ریسک اعتباری در بال (۱) به ۱۳ درصد برای پوشش ریسک‌های اعتباری، عملیاتی و بازار، در بال (۳) افزایش یافته است. بنابراین، انحراف نسبت کفایت سرمایه هر بانک یا شبکه بانکی از حداقل‌های الزام‌آور مذکور، نوعی ناترازی در حساب سرمایه به شمار می‌آید.

در حال حاضر، نسبت کفایت سرمایه بانک کشور مطابق بخشنامه بانک مرکزی، به طور تقریبی بر مبنای بال (۲) و حداقل ۸ درصد تعیین شده است. با این حال متوسط نسبت کفایت سرمایه در کل شبکه بانکی ۱.۳۵ درصد، در بانک‌های دولتی منفی ۰.۳ درصد، در بانک‌های خصوصی شده ۵.۲ درصد و در بانک‌های خصوصی نیز ۱.۰۳ درصد است.

با توجه به بررسی وضعیت موجود بر اساس اطلاعات پایان سال ۱۴۰۰، مشخص است که در نظام بانکی کشور ناترازی در جریان ورود و خروج وجوه نقد وجود دارد. چرا که از یک طرف تسهیلات به صورت میان‌مدت و یا بلندمدت اعطاء می‌شود و حتی در برخی مواقع با امهال‌های مکرر چشم‌انداز وصول نامشخص است، اما سپرده‌ها با حداکثر بازه زمانی یکساله جذب می‌شوند و حجم قابل توجهی از سپرده‌های جذب‌شده نیز ماندگاری پایینی دارند.

البته با تغییر نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت از روزشمار به ماه‌شمار، روند صعودی سپرده‌های جاری کاهش یافته است، لیکن کماکان این سهم از سپرده‌های سیال بسیار بالاست و علاوه بر مشکلاتی که برای بانک‌ها از منظر تطابق زمانی به وجود می‌آورد، پیامدهای تورمی نیز می‌تواند به همراه داشته باشد. این موضوع لزوم گسترش بازار سرمایه و تأمین مالی بلندمدت از طریق آن بازار را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴. نشانگرهای ناترازی حساب سرمایه براساس توصیه‌های کمیته بال در زمینه نسبت کفایت سرمایه، میزان استاندارد این نسبت از حداقل ۸ درصد برای پوشش ریسک اعتباری در بال (۱) به ۱۳ درصد برای پوشش ریسک‌های اعتباری، عملیاتی و بازار، در بال (۳) افزایش یافته است. بنابراین، انحراف نسبت کفایت سرمایه هر بانک یا شبکه بانکی از حداقل‌های الزام‌آور مذکور، نوعی ناترازی در حساب سرمایه به شمار می‌آید.

در حال حاضر، نسبت کفایت سرمایه بانک کشور مطابق بخشنامه بانک مرکزی، به طور تقریبی بر مبنای بال (۲) و حداقل ۸ درصد تعیین شده است. با این حال متوسط نسبت کفایت سرمایه در کل شبکه بانکی ۱.۳۵ درصد، در بانک‌های دولتی منفی ۰.۳ درصد، در بانک‌های خصوصی شده ۵.۲ درصد و در بانک‌های خصوصی نیز ۱.۰۳ درصد است.

با توجه به بررسی وضعیت موجود بر اساس اطلاعات پایان سال ۱۴۰۰، مشخص است که در نظام بانکی کشور ناترازی در جریان ورود و خروج وجوه نقد وجود دارد. چرا که از یک طرف تسهیلات به صورت میان‌مدت و یا بلندمدت اعطاء می‌شود و حتی در برخی مواقع با امهال‌های مکرر چشم‌انداز وصول نامشخص است، اما سپرده‌ها با حداکثر بازه زمانی یکساله جذب می‌شوند و حجم قابل توجهی از سپرده‌های جذب‌شده نیز ماندگاری پایینی دارند.

البته با تغییر نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت از روزشمار به ماه‌شمار، روند صعودی سپرده‌های جاری کاهش یافته است، لیکن کماکان این سهم از سپرده‌های سیال بسیار بالاست و علاوه بر مشکلاتی که برای بانک‌ها از منظر تطابق زمانی به وجود می‌آورد، پیامدهای تورمی نیز می‌تواند به همراه داشته باشد. این موضوع لزوم گسترش بازار سرمایه و تأمین مالی بلندمدت از طریق آن بازار را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴. نشانگرهای ناترازی حساب سرمایه براساس توصیه‌های کمیته بال در زمینه نسبت کفایت سرمایه، میزان استاندارد این نسبت از حداقل ۸ درصد برای پوشش ریسک اعتباری در بال (۱) به ۱۳ درصد برای پوشش ریسک‌های اعتباری، عملیاتی و بازار، در بال (۳) افزایش یافته است. بنابراین، انحراف نسبت کفایت سرمایه هر بانک یا شبکه بانکی از حداقل‌های الزام‌آور مذکور، نوعی ناترازی در حساب سرمایه به شمار می‌آید.

در حال حاضر، نسبت کفایت سرمایه بانک کشور مطابق بخشنامه بانک مرکزی، به طور تقریبی بر مبنای بال (۲) و حداقل ۸ درصد تعیین شده است. با این حال متوسط نسبت کفایت سرمایه در کل شبکه بانکی ۱.۳۵ درصد، در بانک‌های دولتی منفی ۰.۳ درصد، در بانک‌های خصوصی شده ۵.۲ درصد و در بانک‌های خصوصی نیز ۱.۰۳ درصد است.

با توجه به بررسی وضعیت موجود بر اساس اطلاعات پایان سال ۱۴۰۰، مشخص است که در نظام بانکی کشور ناترازی در جریان ورود و خروج وجوه نقد وجود دارد. چرا که از یک طرف تسهیلات به صورت میان‌مدت و یا بلندمدت اعطاء می‌شود و حتی در برخی مواقع با امهال‌های مکرر چشم‌انداز وصول نامشخص است، اما سپرده‌ها با حداکثر بازه زمانی یکساله جذب می‌شوند و حجم قابل توجهی از سپرده‌های جذب‌شده نیز ماندگاری پایینی دارند.

البته با تغییر نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت از روزشمار به ماه‌شمار، روند صعودی سپرده‌های جاری کاهش یافته است، لیکن کماکان این سهم از سپرده‌های سیال بسیار بالاست و علاوه بر مشکلاتی که برای بانک‌ها از منظر تطابق زمانی به وجود می‌آورد، پیامدهای تورمی نیز می‌تواند به همراه داشته باشد. این موضوع لزوم گسترش بازار سرمایه و تأمین مالی بلندمدت از طریق آن بازار را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴. نشانگرهای ناترازی حساب سرمایه براساس توصیه‌های کمیته بال در زمینه نسبت کفایت سرمایه، میزان استاندارد این نسبت از حداقل ۸ درصد برای پوشش ریسک اعتباری در بال (۱) به ۱۳ درصد برای پوشش ریسک‌های اعتباری، عملیاتی و بازار، در بال (۳) افزایش یافته است. بنابراین، انحراف نسبت کفایت سرمایه هر بانک یا شبکه بانکی از حداقل‌های الزام‌آور مذکور، نوعی ناترازی در حساب سرمایه به شمار می‌آید.

در حال حاضر، نسبت کفایت سرمایه بانک کشور مطابق بخشنامه بانک مرکزی، به طور تقریبی بر مبنای بال (۲) و حداقل ۸ درصد تعیین شده است. با این حال متوسط نسبت کفایت سرمایه در کل شبکه بانکی ۱.۳۵ درصد، در بانک‌های دولتی منفی ۰.۳ درصد، در بانک‌های خصوصی شده ۵.۲ درصد و در بانک‌های خصوصی نیز ۱.۰۳ درصد است.

با توجه به بررسی وضعیت موجود بر اساس اطلاعات پایان سال ۱۴۰۰، مشخص است که در نظام بانکی کشور ناترازی در جریان ورود و خروج وجوه نقد وجود دارد. چرا که از یک طرف تسهیلات به صورت میان‌مدت و یا بلندمدت اعطاء می‌شود و حتی در برخی مواقع با امهال‌های مکرر چشم‌انداز وصول نامشخص است، اما سپرده‌ها با حداکثر بازه زمانی یکساله جذب می‌شوند و حجم قابل توجهی از سپرده‌های جذب‌شده نیز ماندگاری پایینی دارند.

البته با تغییر نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت از روزشمار به ماه‌شمار، روند صعودی سپرده‌های جاری کاهش یافته است، لیکن کماکان این سهم از سپرده‌های سیال بسیار بالاست و علاوه بر مشکلاتی که برای بانک‌ها از منظر تطابق زمانی به وجود می‌آورد، پیامدهای تورمی نیز می‌تواند به همراه داشته باشد. این موضوع لزوم گسترش بازار سرمایه و تأمین مالی بلندمدت از طریق آن بازار را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴. نشانگرهای ناترازی حساب سرمایه براساس توصیه‌های کمیته بال در زمینه نسبت کفایت سرمایه، میزان استاندارد این نسبت از حداقل ۸ درصد برای پوشش ریسک اعتباری در بال (۱) به ۱۳ درصد برای پوشش ریسک‌های اعتباری، عملیاتی و بازار، در بال (۳) افزایش یافته است. بنابراین، انحراف نسبت کفایت سرمایه هر بانک یا شبکه بانکی از حداقل‌های الزام‌آور مذکور، نوعی ناترازی در حساب سرمایه به شمار می‌آید.

در حال حاضر، نسبت کفایت سرمایه بانک کشور مطابق بخشنامه بانک مرکزی، به طور تقریبی بر مبنای بال (۲) و حداقل ۸ درصد تعیین شده است. با این حال متوسط نسبت کفایت سرمایه در کل شبکه بانکی ۱.۳۵ درصد، در بانک‌های دولتی منفی ۰.۳ درصد، در بانک‌های خصوصی شده ۵.۲ درصد و در بانک‌های خصوصی نیز ۱.۰۳ درصد است.

با توجه به بررسی وضعیت موجود بر اساس اطلاعات پایان سال ۱۴۰۰، مشخص است که در نظام بانکی کشور ناترازی در جریان ورود و خروج وجوه نقد وجود دارد. چرا که از یک طرف تسهیلات به صورت میان‌مدت و یا بلندمدت اعطاء می‌شود و حتی در برخی مواقع با امهال‌های مکرر چشم‌انداز وصول نامشخص است، اما سپرده‌ها با حداکثر بازه زمانی یکساله جذب می‌شوند و حجم قابل توجهی از سپرده‌های جذب‌شده نیز ماندگاری پایینی دارند.



#### کفایت سرمایه پایین بانک‌های ایرانی

در حال حاضر، نسبت کفایت سرمایه شبکه بانکی کشور مطابق بخشنامه بانک مرکزی، به طور تقریبی بر مبنای بال (۲) و حداقل ۸ درصد تعیین شده است. با این حال متوسط نسبت کفایت سرمایه در کل شبکه بانکی ۱.۳۵ درصد، در بانک‌های دولتی منفی ۰.۳ درصد، در بانک‌های خصوصی شده ۵.۲ درصد و در بانک‌های خصوصی نیز ۱.۰۳ درصد است.

عکس: ایرنا

## عباس معمارنژاد، معاون اسبق وزیر اقتصاد در تحلیلی ارائه کرد:

# ریشه ناترازی بانک‌ها کجاست؟

### تحلیل

عدم تعادل است و چنانچه هر یک از صورت‌های مالی یک بانک از تراز خارج شود، عدم تعادل در آن حوزه مالی را انعکاس می‌دهد.

در ادبیات بین‌المللی هنگام بررسی مسائل و مشکلات شبکه بانکی، واژه‌هایی چون اعسار نظام بانکی، بحران بانکی و بحران بانکی سیستماتیک مطرح می‌شوند که با توجه به کیفی بودن آنها، تعریفی جامع از آنها ارائه نشده است، بلکه هر یک بر اساس یکسری شاخص‌های نشانگر، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

اعسار بانکی معمولاً از دو منظر اعسار ترانزنامه‌ای و اعسار نقدی بررسی می‌شود. اعسار ترانزنامه‌ای به شکاف بزرگ بین ارزش دارایی و بدهی بانک بر می‌گردد. بر اساس تجربه سایر کشورها، این اعسار معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که در اثر انقباض ناگهانی اقتصاد یا کاهش شدید قیمت در بازار یکی از دارایی‌ها، ناگاه ارزش دارایی‌های بانک تنزل می‌یابد و تعادل بین دارایی‌ها و بدهی‌های بانکی را به هم می‌زند. با این حال، این ناترازی ممکن است به علت رشد فزاینده بدهی‌ها نیز اتفاق بیفتد.

اعسار نقدینگی به ناتوانی بانک در پرداخت سپرده‌ها در اثر هجوم سپرده‌گذاران تفسیر می‌شود. در واقع، بانکی که ارزش دارایی‌های آن بیش از بدهی‌هاست و وضعیت کفایت سرمایه مناسبی هم دارد، ممکن است در اثر مراجعه سپرده‌گذاران دچار اعسار جریان نقدی شود. این نوع اعسار تا اوایل قرن بیستم و قبل از وقوع بحران بانکی جهانی به عنوان مهم‌ترین نوع ناترازی بانکی محسوب می‌شد، اما با تضمین سپرده‌های بانکی در سطح جهانی و امکان استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی تا حدودی این اعسار علاج شده که البته تبعات خاص خودش را دارد.

بررسی ادبیات داخلی بیانگر آن است که اگرچه در خصوص ریشه‌های ناترازی و مضللات بانکی مباحث زیادی مطرح شده است، اما مفهوم ناترازی در مطالعات کمی مورد تحلیل قرار گرفته است.

در مطالعات داخلی، ناترازی نهایتاً در سه طبقه شامل ناترازی ترانزنامه‌ای، شکاف درآمد-هزینه و ناترازی نقدی دسته‌بندی شده است. اما از دیدگاه نویسندگان این مقاله، از آنجا که

عملکرد حوزه مالی هر بانک از چهار جنبه شامل دارایی‌ها - بدهی‌ها، درآمدها - هزینه‌ها، جریان ورود - خروج وجوه نقد و سرمایه قابل ارزیابی است، لذا هرگونه عدم تعادل در هر یک از موارد مذکور به معنای ناترازی بانک در آن حوزه است. از این نظر می‌توان گفت بانک‌ها با چهار نوع ناترازی در حوزه مالی ممکن است مواجه باشند:

۱. ناترازی دارایی‌ها. بدهی‌ها  
۲. ناترازی درآمد. هزینه  
۳. ناترازی جریان ورود و خروج وجوه نقد

۴. ناترازی حساب سرمایه  
در مطالعات داخلی، ناترازی عمدتاً از طریق علت‌ها و متغیرهای هشداردهنده وضعیت نامطلوب در متغیرهای بانکی با پیامد کمبود نقدینگی یا کاهش کیفیت نقدینگی تبیین یافته است. در این مقاله نیز این رویکرد تقییب شده است. ضمن اینکه اعتقاد بر این است، ناترازی حساب سرمایه نیز همانند سه ناترازی دیگر می‌تواند به دنبال خود کمبود نقدینگی بانک‌ها را به همراه داشته باشد، یا توان وام‌دهی بانک‌ها را کاهش دهد.

**نشانگرهای انواع ناترازی بانک‌ها در ایران**

۱. نشانگرهای ناترازی دارایی‌ها - بدهی‌ها  
دارایی‌های بانک در واقع مصارفی هستند که از طریق بدهی‌ها (منابع) تأمین مالی می‌شوند. هر چقدر درجه نقدشوندگی دارایی‌های پایین‌تر و دوره بازگشت سرمایه کمتر باشد، عملاً به همان اندازه منابع از چرخه تسهیلات‌دهی و تأمین مالی رشد اقتصادی خارج می‌شود. ممکن است بخشی از بازدهی حاصل از برخی از دارایی‌ها به صورت بیش برآوردی باشد، در اینصورت در ترانزنامه بانک‌ها سودهایی شناسایی می‌شوند که قابلیت تحقق نداشته و موهومی به شمار می‌آیند.

مجموع این عوامل کاهش‌دهنده ارزش دارایی‌ها در کنار رشد بدهی‌ها، تراز و در واقع تعادل اقتصادی بین دارایی‌ها و بدهی‌های بانک را برهم می‌زند و بانک را با مشکل نقدینگی مواجه می‌کند.

سهم دارایی‌های منجمد از دارایی‌های کل شبکه بانکی حدود ۲۲ درصد است که شامل مطالبات

عدم تعادل است و چنانچه هر یک از صورت‌های مالی یک بانک از تراز خارج شود، عدم تعادل در آن حوزه مالی را انعکاس می‌دهد.

در ادبیات بین‌المللی هنگام بررسی مسائل و مشکلات شبکه بانکی، واژه‌هایی چون اعسار نظام بانکی، بحران بانکی و بحران بانکی سیستماتیک مطرح می‌شوند که با توجه به کیفی بودن آنها، تعریفی جامع از آنها ارائه نشده است، بلکه هر یک بر اساس یکسری شاخص‌های نشانگر، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

اعسار بانکی معمولاً از دو منظر اعسار ترانزنامه‌ای و اعسار نقدی بررسی می‌شود. اعسار ترانزنامه‌ای به شکاف بزرگ بین ارزش دارایی و بدهی بانک بر می‌گردد. بر اساس تجربه سایر کشورها، این اعسار معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که در اثر انقباض ناگهانی اقتصاد یا کاهش شدید قیمت در بازار یکی از دارایی‌ها، ناگاه ارزش دارایی‌های بانک تنزل می‌یابد و تعادل بین دارایی‌ها و بدهی‌های بانکی را به هم می‌زند. با این حال، این ناترازی ممکن است به علت رشد فزاینده بدهی‌ها نیز اتفاق بیفتد.

اعسار نقدینگی به ناتوانی بانک در پرداخت سپرده‌ها در اثر هجوم سپرده‌گذاران تفسیر می‌شود. در واقع، بانکی که ارزش دارایی‌های آن بیش از بدهی‌هاست و وضعیت کفایت سرمایه مناسبی هم دارد، ممکن است در اثر مراجعه سپرده‌گذاران دچار اعسار جریان نقدی شود. این نوع اعسار تا اوایل قرن بیستم و قبل از وقوع بحران بانکی جهانی به عنوان مهم‌ترین نوع ناترازی بانکی محسوب می‌شد، اما با تضمین سپرده‌های بانکی در سطح جهانی و امکان استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی تا حدودی این اعسار علاج شده که البته تبعات خاص خودش را دارد.

بررسی ادبیات داخلی بیانگر آن است که اگرچه در خصوص ریشه‌های ناترازی و مضللات بانکی مباحث زیادی مطرح شده است، اما مفهوم ناترازی در مطالعات کمی مورد تحلیل قرار گرفته است.

در مطالعات داخلی، ناترازی نهایتاً در سه طبقه شامل ناترازی ترانزنامه‌ای، شکاف درآمد-هزینه و ناترازی نقدی دسته‌بندی شده است. اما از دیدگاه نویسندگان این مقاله، از آنجا که

عملکرد حوزه مالی هر بانک از چهار جنبه شامل دارایی‌ها - بدهی‌ها، درآمدها - هزینه‌ها، جریان ورود - خروج وجوه نقد و سرمایه قابل ارزیابی است، لذا هرگونه عدم تعادل در هر یک از موارد مذکور به معنای ناترازی بانک در آن حوزه است. از این نظر می‌توان گفت بانک‌ها با چهار نوع ناترازی در حوزه مالی ممکن است مواجه باشند:

۱. ناترازی دارایی‌ها. بدهی‌ها  
۲. ناترازی درآمد. هزینه  
۳. ناترازی جریان ورود و خروج وجوه نقد

۴. ناترازی حساب سرمایه  
در مطالعات داخلی، ناترازی عمدتاً از طریق علت‌ها و متغیرهای هشداردهنده وضعیت نامطلوب در متغیرهای بانکی با پیامد کمبود نقدینگی یا کاهش کیفیت نقدینگی تبیین یافته است. در این مقاله نیز این رویکرد تقییب شده است. ضمن اینکه اعتقاد بر این است، ناترازی حساب سرمایه نیز همانند سه ناترازی دیگر می‌تواند به دنبال خود کمبود نقدینگی بانک‌ها را به همراه داشته باشد، یا توان وام‌دهی بانک‌ها را کاهش دهد.

**نشانگرهای انواع ناترازی بانک‌ها در ایران**

۱. نشانگرهای ناترازی دارایی‌ها - بدهی‌ها  
دارایی‌های بانک در واقع مصارفی هستند که از طریق بدهی‌ها (منابع) تأمین مالی می‌شوند. هر چقدر درجه نقدشوندگی دارایی‌های پایین‌تر و دوره بازگشت سرمایه کمتر باشد، عملاً به همان اندازه منابع از چرخه تسهیلات‌دهی و تأمین مالی رشد اقتصادی خارج می‌شود. ممکن است بخشی از بازدهی حاصل از برخی از دارایی‌ها به صورت بیش برآوردی باشد، در اینصورت در ترانزنامه بانک‌ها سودهایی شناسایی می‌شوند که قابلیت تحقق نداشته و موهومی به شمار می‌آیند.

مجموع این عوامل کاهش‌دهنده ارزش دارایی‌ها در کنار رشد بدهی‌ها، تراز و در واقع تعادل اقتصادی بین دارایی‌ها و بدهی‌های بانک را برهم می‌زند و بانک را با مشکل نقدینگی مواجه می‌کند.

سهم دارایی‌های منجمد از دارایی‌های کل شبکه بانکی حدود ۲۲ درصد است که شامل مطالبات

محققان و صاحب‌نظران پولی و بانکی کشور بر این موضوع که شبکه بانکی کشور طی دهه ۱۳۹۰ با ناترازی‌های پنهان و آشکاری مواجه بوده و طی سال‌های اخیر با تشدید شوک‌های خارجی، این ناترازی‌ها به یک عارضه تبدیل شده است، اتفاق نظر دارند و معتقدند یکی از پیامدهای مهم این ناترازی آن است که به واسطه فشار بر پایه پولی از مسیر رشد نقدینگی، پایداری تورم در کشور را به همراه داشته و در واقع به عنوان یک عامل ساختاری و مانع اجرای درست و موثر سیاست‌های کنترل تورم در کشور مطرح است.

بانک مرکزی به عنوان مقام تنظیم‌گر و ناظر بر شبکه بانکی نیز با علم به این موضوع، چاره‌اندیشی سریع در این زمینه را با تدوین دستورالعمل‌های متعدد در دستور کار خود قرار داده است و با تغییر مدیریت بانک مرکزی، حل ناترازی بانک‌ها و برخورد با بانک‌های ناتراز به عنوان اولویت اقدامات مداخله‌گری، معرفی شده است. با این حال، ارائه راهکار درست و پایدار در این زمینه مستلزم درک درست از مفهوم و ابعاد ناترازی و ریشه‌یابی صحیح از علل پیدایش یا موجد ناترازی و همچنین عوامل تشدید و ماندگاری آن در شبکه بانکی کشور است.

با وجود اینکه در مطالعات متعدد داخلی به موضوع ناترازی بانک‌ها و پیامدهای آن در اقتصاد پرداخته شده است، اما تعریف دقیق و روش مناسبی برای سنجش آن بیان نشده است.

مقاله مورد بحث، در مورد بررسی ناترازی در شبکه بانکی ایران با استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته دو مرحله‌ای است. در این مقاله سعی شده است تا ضمن تحلیلی مفهومی از عوامل ناترازی بانک‌ها در کشور بر اساس ادبیات موجود و نظر صاحب‌نظران امر، عوامل تأثیرگذار بر اساس شدت تأثیرگذاری عوامل در قالب مدل رگرسیون اولویت‌بندی و متناسب با آن توصیه‌های سیاستی ارائه شود.

**مفهوم ناترازی در شبکه بانکی**

ناترازی در مفهوم لغوی به معنای